





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی و تمدن اسلامی
گروه انقلاب و تمدن اسلامی

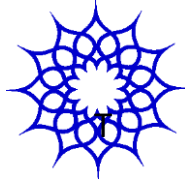
رساله دکتری رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه‌های سیاسی
**اندیشه سیاسی سازگار تعیین رهبر در نظام جمهوری اسلامی از منظر
مردم‌سالاری دینی**

استاد راهنما:
دکتر موسی نجفی

استادان مشاور:
دکتر سید فضل‌الله موسوی
دکتر یحیی فوزی

پژوهشگر:
سید یاسر جبرائیلی

شهریورماه ۱۳۹۸



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۳۱

رساله‌ی تحصیلی آقای سید یاسر جبرائیلی دانشجوی مقطع دکتری رشته‌ی علوم سیاسی گرایش
اندیشه‌های سیاسی

تحت عنوان:

اندیشه سیاسی سازوکار تعیین رهبر در نظام جمهوری اسلامی از منظر مردم سالاری دینی
را بررسی کردند و رساله با نمره ۱۹/۲۵ و درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای رساله؛ جناب آقای دکتر موسی نجفی با مرتبه علمی استاد

۲. استاد مشاور اول رساله؛ جناب آقای دکتر سید فضل الله موسوی با مرتبه علمی استاد

۳. استاد مشاور دوم رساله؛ جناب آقای دکتر یحیی فوزی با مرتبه علمی استاد

۴. استاد داور داخلی رساله؛ جناب آقای دکتر سید حسین حسینی با مرتبه علمی استادیار

۵. استاد داور مدعو رساله؛ جناب آقای دکتر محسن رضایی با مرتبه علمی دانشیار

۶. استاد داور مدعو رساله؛ جناب آقای دکتر عباس کعبی

امضای مدیر تحصیلات تکمیلی

امضای رئیس پژوهشکده

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، شکل منحصربه‌فردی از حکومت بر پایه «مردم‌سالاری دینی» در ایران تأسیس شد که با ابتدای بر حاکمیت دین اسلام، حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش را نیز به رسمیت شناخت. مردم‌سالاری دینی شکلی از حکومت است که بر پایه دو رکن دین اسلام و مردم پایه‌ریزی می‌شود. باتوجه‌به اینکه رهبری در نظام جمهوری اسلامی عالی‌ترین مقام سیاسی است، می‌توان تعامل دو رکن مردم‌سالاری دینی یعنی دین و مردم در تعیین رهبر را عالی‌ترین عرصه برای تجلی اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی دانست. بدین معنی که رهبر در نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی هم باید محصول اراده مردم باشد (جمهوریت) و هم شرایط و ویژگی‌های تعیین شده در دین اسلام برای رهبری را حائز باشد (اسلامیت). این اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی برای تعیین رهبری، در قانون اساسی منعکس شده است. رساله حاضر بر آن است که با بررسی سه رویداد ناظر به تعیین رهبر در تاریخ جمهوری اسلامی یعنی رسمیت یافتن اصل ولایت‌فقیه و تصویب رهبری حضرت امام خمینی (ره) در ساختار جمهوری اسلامی، تعیین آیت‌الله منتظری به رهبری آینده از سوی مجلس خبرگان رهبری و سپس عزل ایشان، و نهایتاً تعیین آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری توسط مجلس خبرگان رهبری، چگونگی رعایت شاخص‌های جمهوریت و اسلامیت را بررسی نماید. بررسی این سه رویداد نشان می‌دهد شاخصه‌های خاص مردم‌سالاری دینی (جمهوریت و اسلامیت) مبنی بر مشروعیت در اندیشه سیاسی شیعه، نظام امامت و حضور و مقبولیت مردمی که در قانون اساسی منعکس شده است، بر این فرآیندها حاکم بوده است.

کلیدواژه‌ها: مردم‌سالاری دینی، جمهوریت، اسلامیت، تعیین رهبر، ولایت‌فقیه، امام خمینی (ره)، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله خامنه‌ای، مجلس خبرگان رهبری

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات، روش و پیشینه پژوهش

| | | |
|----|--------------------------------|--------|
| ۲ | کلیات | ۱-۱ |
| ۲ | بیان مسئله | ۱-۱-۱ |
| ۴ | ضرورت انجام پژوهش | ۱-۱-۲ |
| ۴ | اهداف پژوهش | ۱-۱-۳ |
| ۵ | کاربردهای پژوهش | ۱-۱-۴ |
| ۵ | نوع پژوهش | ۱-۱-۵ |
| ۶ | قلمرو پژوهش | ۱-۱-۶ |
| ۶ | سؤال پژوهش | ۱-۱-۷ |
| ۷ | فرضیه پژوهش | ۱-۱-۸ |
| ۷ | جنبه نوآوری پژوهش | ۱-۱-۹ |
| ۷ | تعریف مفاهیم اصلی | ۱-۱-۱۰ |
| ۷ | ولایت فقیه | ۱-۱۰-۱ |
| ۷ | مردم‌سالاری دینی | ۱-۱۰-۲ |
| ۸ | رهبر انقلاب اسلامی | ۱-۱۰-۳ |
| ۹ | روش تحقیق | ۲-۱ |
| ۱۱ | فنون و روش های گردآوری اطلاعات | ۱-۲-۱ |
| ۱۲ | پیشینه پژوهش | ۳-۱ |

فصل دوم: مردم‌سالاری دینی و تعیین رهبر در نظام جمهوری اسلامی

| | | |
|----|--|---------|
| ۲۸ | مردم‌سالاری دینی | ۱-۲ |
| ۳۱ | ابتنای قانون اساسی جمهوری اسلامی بر مردم‌سالاری دینی | ۲-۲ |
| ۳۱ | عوامل موید جمهوریت در قانون اساسی | ۱-۲-۲ |
| ۳۱ | حقوق سیاسی مردم | ۱-۱-۲-۲ |
| ۳۴ | حقوق اجتماعی مردم ایران | ۲-۱-۲-۲ |

| | |
|----|---|
| ۳۵ | ۲-۱-۳- حقوق اقتصادی مردم |
| ۳۵ | ۲-۱-۴- حقوق فرهنگی مردم |
| ۳۵ | ۲-۱-۴- حقوق قضایی افراد |
| ۳۶ | ۲-۲-۲- عوامل موید اسلامیت در قانون اساسی |
| ۳۷ | ۲-۲-۱- احاطه کامل دین رسمی بر اداره امور کشور |
| ۳۷ | ۲-۲-۲- تأکید بر مبانی اعتقادی |
| ۳۷ | ۲-۲-۳- اصول مذهبی: امت اسلامی و دین و مذهب رسمی کشور |
| ۳۸ | ۲-۳-۳- صفات و شرایط رهبر مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در قانون اساسی |
| ۴۰ | ۲-۳-۱- لزوم اعلیت، فقاقت و قدرت |
| ۴۱ | ۲-۳-۲- عدالت و تقوای رهبری |
| ۴۲ | ۲-۳-۳- شجاعت، مدیریت، تدبیر و بیش‌صیح سیاسی رهبری |
| ۴۳ | ۲-۴- سازکار تعیین رهبر مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در قانون اساسی |

فصل سوم: انتخاب امام خمینی(ره)، اولین تجربه تعیین رهبری دینی-سیاسی در جمهوری اسلامی

| | |
|----|--|
| ۵۳ | ۳-۱- زمینه‌های تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر ولایت‌فقیه در ایران |
| ۵۳ | ۳-۱-۱- ولایت‌فقیه، شرط لازم حکومت اسلامی |
| ۵۸ | ۳-۱-۲- اسلام سیاسی؛ تکلیف شرعی و مطالبه‌ی عمومی |
| ۶۱ | ۳-۲- شاخص‌های جمهوریت در تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر ولایت‌فقیه و تعیین امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبر |
| ۶۱ | ۳-۱-۲- جایگاه مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) |
| ۶۲ | ۳-۲-۲- فعالیت آزادانه مخالفان تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر ولایت‌فقیه |
| ۶۵ | ۳-۲-۳- تاسیس نظام «جمهوری اسلامی» با رای مستقیم مردم |
| ۶۷ | ۳-۲-۴- برگزاری انتخابات برای نگارش قانون اساسی توسط نمایندگان مردم |
| ۷۱ | ۳-۲-۵- طرح و تصویب اصل ولایت‌فقیه توسط منتخبان مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی |
| ۷۸ | ۳-۲-۶- ناکام ماندن طرح دولت موقت برای انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی |
| ۸۲ | ۳-۲-۷- برگزاری همه‌پرسی برای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران |
| ۸۴ | ۳-۳- شاخص‌های اسلامیت در تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر ولایت‌فقیه و تعیین امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبر |
| ۸۴ | ۳-۱-۳- قانون اساسی اسلامی؛ لازمه‌ی نظام دینی |

- ۳-۳-۲- تاکید امام خمینی و دیگر علما برای انطباق قانون اساسی بر اسلام ۸۶
- ۳-۳-۳- مخالفت علمای اسلام با پیش‌نویس قانون اساسی به دلیل فقدان اصل ولایت‌فقیه ۹۲
- ۳-۳-۴- استقبال و حمایت امام از تصویب اصل ولایت‌فقیه ۹۶
- ۳-۴- جمع بندی و نتیجه گیری ۹۸

فصل چهارم: انتخاب آیت‌الله منتظری و چرایی تجربه شکست خورده تعیین رهبری

- ۴-۱- زمینه های تعیین آیت الله منتظری به رهبری آینده ۱۰۴
- ۴-۲- شاخص‌های جمهوریت در تعیین آیت الله منتظری به رهبری آینده ۱۰۶
- ۴-۲-۱- تشکیل مجلس خبرگان رهبری از منتخبان مردم طبق قانون اساسی به‌عنوان نهاد متولی تعیین رهبری ۱۰۶
- ۴-۲-۲- تعیین آیت‌الله منتظری به رهبری آینده توسط نمایندگان مردم طبق قانون اساسی ۱۰۸
- ۴-۲-۲-۱- بررسی مسئله رهبری آینده در اجلاس هیئت سوم خبرگان رهبری ۱۰۸
- ۴-۲-۲-۲- ارائه طرح ضرورت شناسایی رهبر آینده توسط نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری ۱۱۱
- ۴-۲-۲-۳- انطباق طرح شناسایی رهبر آینده با قانون اساسی ۱۱۴
- ۴-۲-۲-۴- تصویب فوریت تعیین رهبر آینده در مجلس خبرگان رهبری ۱۱۷
- ۴-۲-۲-۵- پیشنهاد بررسی همه افراد در مظان رهبری طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی ۱۱۹
- ۴-۲-۲-۶- مطرح شدن آیت الله منتظری به‌عنوان مصداق صدر اصل ۱۰۷ قانون اساسی ۱۲۱
- ۴-۲-۲-۷- پیشنهاد گروه تحقیق مبنی بر شناسایی آیت‌الله منتظری به‌عنوان مصداق صدر اصل ۱۰۷ ۱۲۳
- ۴-۲-۲-۸- تعیین رهبر آینده با هدف جلوگیری از اسقاط مجلس خبرگان رهبری به‌عنوان نهاد متولی تعیین رهبر در قانون اساسی ۱۲۴
- ۴-۲-۲-۹- تعیین آیت الله منتظری به‌عنوان مصداق صدر اصل ۱۰۷ ۱۲۶
- ۴-۲-۲-۱۰- مداخله نکردن حضرت امام خمینی (ره) در تصمیم قانونی خبرگان ۱۲۹
- ۴-۳- شاخص‌های اسلامیت در تعیین آیت‌الله منتظری به رهبری آینده ۱۳۱
- ۴-۳-۱- شناسایی آیت الله منتظری به‌عنوان دارنده صلاحیت مرجعیت توسط خبرگان رهبری ۱۳۱
- ۴-۳-۲- تاییدات حضرت امام خمینی به‌عنوان ولی فقیه مستقر؛ ملاک خبرگان برای احراز صلاحیت دینی آیت الله منتظری ۱۳۵
- ۴-۳-۳- فقاهت آیت الله منتظری ۱۳۶
- ۴-۳-۴- شجاعت آیت‌الله منتظری ۱۳۷
- ۴-۳-۵- مدیریت آیت الله منتظری ۱۴۰

| | |
|-----|---|
| ۱۴۱ | ۴-۴- زمین‌های برکناری آیت الله منتظری |
| ۱۴۴ | ۵-۵- شاخص های اسلامیت در برکناری آیت الله منتظری از رهبری آینده |
| ۱۴۴ | ۴-۵-۱- ضعف در مدیریت و تدبیر |
| ۱۴۵ | ۴-۵-۲- ضعف در بینش صحیح سیاسی-اجتماعی و قدرت رهبری |
| ۱۶۶ | ۴-۵-۳- سقوط از عدالت |
| ۱۷۱ | ۴-۵-۴- ضعف در آگاهی از زمانه، جریان‌های فکری و مسائل کشور |
| ۱۷۷ | ۵-۴-۴- اعلام صریح ولی فقیه حاضر مبنی بر فقدان صلاحیت آیت‌الله منتظری برای رهبری |
| ۱۸۲ | ۴-۶- شاخص های جمهوری در برکناری آیت الله منتظری از رهبری آینده |
| ۱۸۲ | ۴-۶-۱- کناره‌گیری آیت‌الله منتظری از رهبری آینده |
| ۱۸۶ | ۴-۶-۲- پذیرش استعفا آیت‌الله منتظری در مجلس خبرگان رهبری |
| ۱۸۷ | ۴-۷- جمع بندی و نتیجه گیری |

فصل پنجم: انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای؛ فصلی جدید در تعیین رهبری جمهوری اسلامی

| | |
|-----|---|
| ۱۹۵ | ۵-۱- زمین‌های مطرح شدن آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی |
| ۲۰۲ | ۵-۳- شاخص های اسلامیت در تعیین آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری |
| ۲۰۲ | ۵-۳-۱- تائیدات و توصیفات حضرت امام(ره) به‌عنوان ولی فقیه مستقر |
| ۲۰۳ | ۵-۳-۲- اجتهاد و فقاقت |
| ۲۰۹ | ۵-۳-۳- شجاعت و بصیرت |
| ۲۲۱ | ۵-۳-۳- مدیریت، تدبیر و قدرت رهبری |
| ۲۵۱ | ۵-۳-۴- عدالت و تقوا |
| ۲۵۲ | ۵-۳-۵- کنار گذاشته شدن شرط مرجعیت طبق نظر ولی فقیه در مجلس خبرگان رهبری |
| ۲۶۱ | ۵-۴- شاخص های جمهوریت در تعیین آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری |
| ۲۶۱ | ۵-۴-۱- تشکیل مجلس خبرگان رهبری برای تعیین رهبر جدید |
| ۲۶۴ | ۵-۴-۲- انتخاب قانونی رهبر جدید تا اتمام فرایند بازنگری |
| ۲۶۷ | ۵-۴-۳- مطرح شدن پیشنهاد های مختلف برای رهبری از سوی اعضای خبرگان |
| ۲۷۲ | ۵-۴-۵- رای گیری خبرگان درباره رهبری شورایی یا فردی طبق قانون اساسی |
| ۲۷۷ | ۵-۴-۶- انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری توسط خبرگان منتخب مردم |
| ۲۸۸ | ۵-۴-۷- استقبال مردم و نخبگان از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای |

۲۹۲ ۵-۴-۸-فراندم قانون اساسی و بررسی انطباق شرایط جدید رهبری بر رهبر مستقر

۲۹۷ ۵-۸- جمع بندی و نتیجه گیری

جمع بندی و نتیجه گیری

۳۰۴ ۶-۱- ادعای محقق: حاکم بودن اصول مردمسالاری دینی بر فرایند تعیین رهبر

۳۰۴ ۶-۲- اثبات ادعای محقق: حاکم بودن اصول مردمسالاری دینی بر فرایند تعیین رهبر

۴۱۸ فهرست منابع

فصل اول

کلیات، روش و پیشینه تحقیق

۱-۱- کلیات

۱-۱-۱- بیان مسئله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، شکل منحصربه‌فردی از حکومت بر پایه «مردم‌سالاری دینی» در ایران تأسیس شد که با ابتدای بر حاکمیت دین اسلام، حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی‌شان را نیز به رسمیت شناخت. با مراجعه به قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌عنوان سند رسمی نظام سیاسی، می‌توان مردم‌سالاری دینی را شکلی از حکومت تعریف کرد که بر پایه دو رکن دین اسلام و مردم پایه‌ریزی می‌شود. این قانون در اصل دوم خود، دین مبین اسلام را به‌عنوان منبع هدایت اجتماعی و قانون‌گذاری پذیرش و معرفی نموده، در اصل ششم اداره کلیه امور را متکی به آرای عمومی ساخته، و در اصل پنجم بر ضرورت وجود یک رهبر و فقیه دینی و سیاسی، مدیر، آگاه و زمان‌شناس در رأس نظام حکومتی تأکید ورزیده است.

باتوجه به اینکه رهبری در نظام جمهوری اسلامی عالی‌ترین مقام سیاسی است، می‌توان تعامل دو رکن مردم‌سالاری دینی یعنی دین و مردم در تعیین رهبر را عالی‌ترین عرصه برای تجلی اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی دانست. بدین معنی که رهبر در نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی هم باید محصول اراده مردم باشد (جمهوریت) و هم شرایط و ویژگی‌های تعیین شده در دین اسلام برای رهبری را حائز باشد (اسلامیت). این اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی برای تعیین رهبری، در قانون اساسی منعکس شده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ تاکنون، نظام جمهوری اسلامی سه رویداد را ناظر به تعیین رهبر انقلاب اسلامی، تجربه کرده است. این سه رویداد عبارت‌اند از رسمیت یافتن اصل ولایت‌فقیه و تصویب رهبری حضرت امام خمینی (ره) در ساختار جمهوری اسلامی، تعیین آیت‌الله منتظری به رهبری آینده از سوی مجلس خبرگان رهبری و سپس عزل ایشان، و نهایتاً تعیین آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری توسط مجلس خبرگان رهبری.

درباره این سه رویداد، اظهارنظرهای گوناگونی با رویکردهایی مختلف صورت گرفته و کسانی سعی کرده‌اند با زیر سؤال بردن فرآیندهای مرتبط با جمهوریت و/یا شاخصه‌های مرتبط با اسلامیت، در مشروعیت انتخاب

رهبران جمهوری اسلامی تشکیک کنند. می‌توان دو رویکرد را در میان منتقدان فرآیندهای طی شده برای تعیین رهبر در تاریخ پس از پیروزی انقلاب اسلامی را شناسایی کرد.

رویکرد نخست، اساساً در فرایند ورود اصل ولایت‌فقیه به قانون اساسی و به تبع آن رسمیت یافتن رهبری امام خمینی (ره)، مؤلفه‌های جمهوریت و/یا اسلامیت را غایب می‌داند و معتقد است اولاً اصل ولایت‌فقیه با اعمال فشار و به شکلی مشکوک و ناگهانی وارد قانون اساسی شد، ثانیاً امام خمینی و سایر علمای شیعه قائل به ورود این اصل به قانون اساسی نبودند. طیفی از این منتقدان، قائل به مخالفت یا بی‌تفاوتی علمای اسلام نسبت به ورود اصل ولایت‌فقیه به قانون اساسی هستند (ویسی، ۲۲ شهریور ۱۳۸۹). طیفی دیگر نیز، پیش‌نویس تهیه شده توسط دولت موقت برای قانون اساسی را مبنا قرار داده و استدلال کرده‌اند که در پیش‌نویس، اصلی به‌عنوان ولایت‌فقیه وجود نداشت، امام خمینی در ابتدا این پیش‌نویس را تأیید کرده بود و باید همین پیش‌نویس در مجلس مؤسسان، بررسی و تصویب می‌شد. اما امام خمینی (ره) که ابتدا دولت موقت را مأمور به تشکیل مجلس مؤسسان کرده بود، نظرش را تغییر داد و نهایتاً مجلس خبرگان قانون اساسی متشکل از ۷۵ عضو، اصل ولایت‌فقیه را تصویب کرد؛ (لاهیجی، ۳ دسامبر ۲۰۰۹) براین اساس، نتیجه می‌گیرند که سیر طبیعی مبتنی بر جمهوریت در فرایند ورود اصل ولایت‌فقیه به قانون اساسی دچار اخلاص شده است؛ تا جایی که کسانی گفته‌اند انقلاب پس از پیروزی توسط روحانیت مصادره شده است.

رویکرد دوم، با مفروض گرفتن شرایط و صفات لازم برای رهبری در قانون اساسی، و نیز فرآیندهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی برای تعیین رهبری، تعیین و سپس برکناری آیت‌الله منتظری و نیز تعیین آیت‌الله خامنه‌ای را بر اصول مردم‌سالاری دینی که در قانون اساسی تجلی یافته، منطبق نمی‌داند. طیفی از منتقدان در این دسته، معتقدند اقدام مجلس خبرگان رهبری در انتخاب آیت‌الله منتظری به رهبری آینده در سال ۱۳۶۴، جزو حقوق و اختیارات این مجلس نبوده و لذا اقدامی خلاف قانون اساسی صورت گرفته است (مؤمن قمی، ۷ اسفند ۱۳۹۷) و (کدیور، ۲۷ اسفند ۱۳۹۵). طیفی دیگر، برکناری آیت‌الله منتظری را اقدامی غیرقانونی دانسته‌اند (افشاری، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۲). درباره انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری نیز، برخی استدلال کرده‌اند که ایشان شرایط و صفات لازم برای رهبری را طبق قانون اساسی نداشته‌اند و لذا انتخاب ایشان غیرقانونی بوده است (کدیور، ۱ بهمن ۱۳۹۶). برخی دیگر نیز انتخاب ایشان بر اساس توصیه حضرت امام را ناقض جمهوریت نظام دانسته‌اند.

کسانی نیز معتقدند در انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای برخلاف اصول مرتبط با تعیین رهبر در قانون اساسی عمل شده است (داور، ۱۱ فوریه ۲۰۱۹).

پژوهش حاضر در پی آن است که با بررسی سه رویداد مرتبط با تعیین رهبر در نظام جمهوری اسلامی، ادعاهای مطرح شده درباره فرآیندهای مرتبط با رهبری در نظام جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار داده و با استناد به منابع دست‌اول و معتبر، تحقق شاخصه‌ها و مولفه‌های مردم‌سالاری دینی و نیز طی شدن فرآیندهای مبتنی بر قانون اساسی در این رویدادها را مورد ارزیابی قرار دهد. پرسش این است که آیا ساز کار، فرایند طی شده و حوادث گوناگون رخ داده در مسیر تعیین رهبر، با شاخص‌های مردم‌سالاری دینی منطبق بوده یا ناقص آن است؟

۱-۱-۲- ضرورت انجام پژوهش

رهبری پژوهی، یکی از حوزه‌های پژوهشی بسیار مهم مرتبط با انقلاب اسلامی است که کمتر مورد توجه بوده است. هرچند ادبیات معتناهی ناظر به مسئله ولایت‌فقیه تولید شده، اما به تجربه‌های مرتبط با تعیین ولی‌فقیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی کمتر پرداخته شده است. این تجربه‌ها از این جهت که رویه حاکم بر آنها هم از جهت فرایند انتخاب رهبر و هم از جهت ویژگی‌ها و خصوصیات شخص منتخب، در تکوین ساز کار مرتبط با شناسایی ولی‌فقیه در آینده تاثیرگذار خواهد بود، نیازمند بررسی‌های دقیق علمی است.

از دیگر سو، باتوجه به اینکه نظام مردم‌سالاری دینی یک الگوی منحصربه‌فرد و بی‌سابقه حکومت است و یکی از علت‌های این تمایز، وجود جایگاه رهبری است، ضرورت دارد این مسئله بررسی شود که باتوجه به تجارب تعیین رهبری، عملکرد نظام منطبق بر شاخص‌های مردم‌سالاری دینی بوده است یا خیر. پژوهش حاضر از این جهت حائز اهمیت است که نشان خواهد داد نظام جمهوری اسلامی در عالی‌ترین سطح خود، در عمل به چه میزان به ایده تأسیسی خود یعنی مردم‌سالاری دینی پایبندی نشان داده است.

۱-۱-۳- اهداف پژوهش

پژوهش حاضر در پی آن است که انطباق شاخص‌های مردم‌سالاری دینی را در مقوله تعیین رهبری بررسی نماید. مشخصاً پژوهشگر قصد دارد بررسی کند که اولاً آیا ایجاد جایگاهی برای رهبری و ولایت‌فقیه در قانون اساسی، ناشی از مطالبه مردم یا نمایندگان آنها و همچنین مدنظر علمای شیعه بوده است یا اینکه با تدبیر جمع

معدودی از خواص (برخلاف جمهوریت) و با وجود بی تفاوتی و/یا مخالفت علمای شیعه (برخلاف اسلامیت) این اتفاق افتاد است؛ ثانیاً آیا انتخاب و عزل آیت الله منتظری بر فرایند و شرایط مندرج در قانون اساسی برای تعیین و برکناری رهبر، منطبق بوده یا در جریان انتخاب و/یا برکناری، از اصول مردم سالاری دینی منعکس در قانون اساسی، تخطی شده است؟ ثالثاً آیا آیت الله خامنه‌ای واجد شرایط و صفات لازم برای رهبری در قانون اساسی بوده‌اند یا در انتخاب ایشان خلاف قانون اساسی عمل شده است؟

از آنجائی که فاصله وضع قانون با اجرای قانون فاصله میان نظر و عمل است، یکی از اهداف این پژوهش این است که با بررسی تجارب گذشته تعیین رهبر، اگر نقایصی در قانون یا اجرا وجود داشته، آنها را برای اصلاح شناسایی نماید و اگر نقصی وجود نداشته، رویه‌های گذشته را برای بهره‌گیری در انتخاب‌های آینده رهبر، در اختیار اعضای خبرگان رهبری و جامعه علمی کشور قرار دهد.

۱-۱-۴- کاربردهای پژوهش

پژوهش حاضر می‌تواند مورد استفاده اعضای مجلس خبرگان رهبری به‌عنوان رویه حاکم بر تعیین رهبر در ادوار گذشته قرار گیرد. همچنین برای پژوهشگران مبحث مردم سالاری دینی و نسبت آن با تعیین رهبری مفید خواهد بود.

۱-۱-۵- نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعه موردی است. رساله حاضر یک کاوش تجربی است که از منابع و شواهد چندگانه برای بررسی رویدادهای مرتبط با تعیین رهبر در زمینه واقعی این رویدادها استفاده می‌کند. دلیل انتخاب پژوهش موردی، چهار خصوصیت این نوع پژوهش است: ۱- خاص‌گراست: مطالعه موردی بر وضعیت، رویداد، برنامه یا پدیده خاص تمرکز می‌کند، در نتیجه روش خوبی برای مطالعه مسائل عملی در زندگی واقعی است. ۲- توصیفی است: این روش، توصیفی مفصل از موضوع مورد مطالعه ارائه می‌دهد. ۳- اکتشافی است: به فهم بهتر موضوع مورد مطالعه کمک می‌کند. کشف روابط متقابل جدید، کشف چشم‌اندازهای تازه و کشف معانی جدید و بینش نو، همگی از اهداف مطالعه موردی است. ۴- استقرایی است: غالب مطالعات موردی، تکیه

بر استدلال استقرایی دارند. مطالعات موردی قصد ارزشیابی فرضیه‌های از پیش موجود را ندارند؛ بلکه با بررسی داده‌ها «اصول و تعمیم‌ها» را به دست می‌دهد.

مطالعه موردی مزایایی دارد که عبارت‌اند از: ۱- به دست آوردن انبوه اطلاعات؛ پرارزش‌ترین روش برای موقعی که پژوهشگر می‌خواهد انبوهی از اطلاعات را درباره موضوع مورد پژوهش به دست آورد. ۲- روبرو شدن با منابع بیشتر؛ قادر ساختن پژوهشگر به روبرو شدن با طیف وسیعی از شواهد، اسناد، دست‌ساخته‌های تاریخی، مصاحبه‌های نظام‌مند، مشاهده مستقیم و حتی پیمایش‌های سنتی را می‌توان در مطالعه موردی گنجانید. هرچه منابع داده‌ها در مطالعه موردی بیشتر باشد، در نتیجه مطالعه ما معتبرتر است. ۳- شناخت تمام ابعاد یک واحد اجتماعی.

۱-۱-۶- قلمرو پژوهش

قلمرو مکانی: قلمرو مکانی پژوهش حاضر کشور ایران است

قلمرو زمانی: قلمرو زمانی پژوهش حاضر، اواسط سال ۱۳۵۷ تا پایان مردادماه سال ۱۳۶۸ است.

قلمرو موضوعی: این پژوهش پیرامون مسئله تعیین رهبر در نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و سه رویداد متناظر با این مسئله در قلمرو زمانی یاد شده بررسی خواهد شد. این سه رویداد عبارت‌اند از ورود اصل ولایت‌فقیه به قانون اساسی و تعیین آیت‌الله خمینی به رهبری، انتخاب آیت‌الله منتظری به رهبری آینده و برکناری ایشان، و در نهایت انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری.

۱-۱-۷- سؤال پژوهش

در سازکارهای مربوط به تعیین رهبر در تاریخ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاخص‌های جمهوریت و اسلامیت در مردم‌سالاری دینی، چگونه رعایت شده است؟

۱-۱-۸- فرضیه پژوهش

بررسی تجربه‌های تعیین رهبری در تاریخ جمهوری اسلامی (امام خمینی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله خامنه‌ای) نشان می‌دهد شاخصه‌های خاص مردم‌سالاری دینی (جمهوریت و اسلامیت) مبنی بر مشروعیت در اندیشه سیاسی شیعه، نظام امامت و حضور و مقبولیت مردمی که در قانون اساسی منعکس شده است، بر این فرآیندها حاکم است.

۱-۱-۹- جنبه نوآوری پژوهش

پژوهش در حوزه رهبری یا رهبری پژوهی، از حوزه‌هایی است که ادبیات قابل توجهی برای آن تولید نشده و پرسش‌های فراوانی در این زمینه بی‌پاسخ مانده، یا با پاسخ‌های ناصحیح و غیر مستند در فضایی غیرعلمی، مواجه شده است. پژوهش حاضر نخستین پژوهشی است که با بهره‌گیری از منابع دست‌اول، به سه تجربه تعیین رهبر در نظام جمهوری اسلامی پرداخته و انطباق این تجارب را با اصول مردم‌سالاری دینی بررسی می‌کند. به‌ویژه درباره فرآیندهای مرتبط با تعیین آیت‌الله منتظری به رهبری و نیز تعیین آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری، این اثر نخستین اثر علمی خواهد بود.

۱-۱-۱۰- تعریف مفاهیم اصلی

۱-۱۰-۱- ولایت فقیه

ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع‌الشرایط در عصر غیبت است و شعبه‌ای است از ولایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) که همان ولایت رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله و سلم) می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین تعریف، ولایت فقیه از جنس حاکمیت است. حاکمیتی که آن را مجتهدی جامع‌الشرایط برعهده دارد.

۱-۱۰-۲- مردم‌سالاری دینی

«مردم‌سالاری دینی»، مفهومی است که در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی رویداده و بر آن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را بنماید و بدین ترتیب، نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی تمییز دهد. برای این منظور، در حکومت جمهوری اسلامی، روش نوینی موردتوجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است. آیت‌الله خامنه‌ای از این روش حکومتی، به «مردم‌سالاری دینی» تعبیر نموده‌اند و در توضیح

آن می‌گویند: «این مردم‌سالاری (دینی) به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد؛ این یک چیز دیگر است. اولاً مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ این‌طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کاملی داشته باشیم؛ نه، خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است. مردم‌سالاری هم دو سر دارد ... یک سر آن عبارت است از این‌که تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت بگیرد؛ یعنی مردم نظام را انتخاب می‌کنند؛ دولت را انتخاب می‌کنند ... این همان چیزی است که غرب ادعای آن را می‌کند و البته در غرب این ادعا واقعیت هم ندارد ... این حرف، متکی به نظرات و حرف‌ها و دقت‌ها و مثال آوردن‌های خود برجستگان ادبیات غربی است ... انتخاب مردم یکی از دو بخش مردم‌سالاری دینی است. مردم بایستی انتخاب کنند، بخواهند، بشناسند و تصمیم بگیرند تا تکلیف شرعی درباره آنها منجر بشود. بدون شناختن و دانستن و خواستن، تکلیفی نخواهند داشت ... سر دیگر قضیه مردم‌سالاری (دینی) این است که حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آنها وظایف جدی و حقیقی داریم ...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

۱-۱-۱۰-۳- رهبر انقلاب اسلامی

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر فردی است که دارای صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، و بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری است و به جز در مورد آیت‌الله خمینی که از طرف اکثریت قاطع مردم به رهبری شناخته و پذیرفته شد، توسط مجلس خبرگان رهبری تعیین می‌شود و دارای وظایف و اختیارات زیر است:

۱- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.

۳- فرمان همه‌پرسی.

۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح.

۵- اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۶- نصب و عزل و قبول استعفای:

الف- فقهای شورای نگهبان.

ب- عالیترین مقام قوه قضائیه

ج- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

د- رئیس ستاد مشترک.

ه- فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

و- فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه.

۸- حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام

۹- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم - صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.

۱۰- عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.

۱۱- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند (قانون اساسی، اصول ۱۰۹ و ۱۱۰).

۱-۲- روش تحقیق

باتوجه به موضوع و سؤال پژوهش، به نظر می‌رسد روش کیفی با رویکرد تحلیلی - توصیفی، روش مناسبی برای رسیدن به نتایج تحقیق باشد. علت انتخاب این روش این است که طی آن می‌توان ضمن توصیف رویدادهای مرتبط با تعیین رهبر، به بررسی تحقق شاخص‌های مرتبط با فرآیندهای جمهوری و عناصر اسلامیت در اندیشه مردم‌سالاری دینی با فرآیندهای طی شده برای تعیین رهبر و نیز ویژگی‌های فرد منتخب/معزول پرداخت.

چنانکه منطق و استراتژی پژوهش کیفی ایجاب می‌کند، محقق موارد ذیل را در حین پژوهش در نظر خواهد داشت: ۱- تمرکز ما بر مسائل معناسازی خواهد بود که به سبب اهمیت نظری و ماهوی انتخابشان می‌کنیم. ۲- ممکن است پاسخ‌هایی که به پرسش‌های مرتبط با موردهای تحت مطالعه می‌دهیم، طی دوره پژوهش تغییر کند؛ لذا رفته‌رفته که درباره پدیده‌های مورد مطالعه دانش بیشتری به دست می‌آوریم، مفاهیم راهنما و طرح‌های تحلیل خود را پالایش خواهیم کرد. ۳- پژوهش ما متمرکز بر پدیده‌های نادری است که پهن دامنه، به لحاظ تاریخی محدود و از حیث فرهنگی مسلم‌اند. برای ما تجربه عمیق مهم‌تر از تجربه وسیع است. ۴- هدف نظری اولیه پژوهش ما آزمون نظریه نیست، بلکه طی این پژوهش مفاهیم مربوط به نظریه شکل می‌گیرند، اصلاح و پالایش می‌شوند و به بسط نظریه کمک می‌کنند.

از آنجائی که پژوهش حاضر یک مطالعه تاریخی است، در نظر داریم که: ۱- در تاریخ، علت‌ها به صورت عام برای معلول‌های خود لازم نیستند، بلکه فقط در شرایط معین برای آنها لازم‌اند ۲- گاهی چندین علت متفاوت باعث نتیجه‌ای می‌شوند که در صورت نبود هر کدام از آنها، نتیجه به صورت نسبتاً متفاوتی رقم می‌خورد. ۳- گاهی چندین علت برای یک رویداد وجود دارد که هر کدام از آنها برای شکل‌گیری آن رویداد کافی بود. ۴- علت‌ها به تولید نتایج معین تمایل دارند، ولی این تمایل ممکن است بر اثر دیگر تمایل‌های موجود در آن وضعیت تعدیل شود. ۵- علت‌ها همیشه معلول‌های متعارف خود را تولید نمی‌کنند، بلکه احتمال وقوع آن معلول‌ها را، تا جایی که تمایل‌های دیگر مانع آنها نباشند، در آن شرایط افزایش می‌دهند یا تمایل وقوع معلول‌های خود را افزایش می‌دهند، یعنی علت‌ها "خدمت عینی" وقوع معلول‌های خود را افزایش می‌دهند. ۶- گاهی یک رویداد باعث محتمل‌تر شدن یک پیامد می‌شود، بدون اینکه در واقع علت آن باشد.

مطالعه تاریخی نیازمند فهم تاریخی است. درک شرایط زمانی و هم‌زمانی و تقارن رویدادها به معنای فهمی تاریخی است که به درک زنجیره‌های تکوینی و اتصالات بین رخدادها کمک می‌کند. در پژوهش حاضر، شاخصه‌های مردم‌سالاری دینی به مثابه تئوری‌هایی هستند که باید ارتباط آنها با سه رویداد موردی در تعیین رهبری بررسی و ارزیابی شود.

پژوهش حاضر، برای حصول نتیجه، شش مرحله ذیل را طی می‌کند:

۱- تدوین مسئله؛

۲- تعیین دامنه تحقیق؛

۳- تدوین فرضیه؛

۴- استقصای موارد شباهت و تفاوت؛

۵- توصیف مواضع خلاف و وفاق؛

۶- تبیین مواضع خلاف و وفاق.

۱-۲-۱- فنون و روش‌های گردآوری اطلاعات

پژوهش حاضر از میان دو روش «استفاده از اطلاعات و اسناد موجود» و «گردآوری می‌دانی اطلاعات»، از شیوه نخست بهره خواهد برد. بدین معنی که اطلاعات موردنیاز تحقیق، نه از طریق مصاحبه و مشاهده و پرسش‌نامه، بلکه از میان اسناد و اطلاعات موجود در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد گردآوری خواهد شد.

منابع اسنادی مورد استفاده در این تحقیق شامل اطلاعات حکومتی، قوانین، ثبت‌های تاریخی، اسناد رسانه‌ای و خاطرات شخصیت‌های مؤثر و/یا دخیل در فرآیندهای مرتبط با تعیین رهبر خواهد بود.

مزایای این روش گردآوری اطلاعات را می‌توان ارزان بودن گردآوری، صرفه‌جویی در وقت، و امکان ارزیابی روند تحقیقات انجام شده در گذشته دانست. برای این روش برخی معایب از جمله قدیمی بودن اطلاعات یا وجود موانع در مسیر گردآوری ذکر شده است که اساساً پژوهش حاضر به لحاظ تاریخی بودن نیازی به اطلاعات جدید ندارد، و محقق موفق شده است با حمایت نهادهای مرتبط به اسناد موردنیاز تحقیق دست یابد.

سعی خواهد شد در گردآوری اطلاعات، از منابع دست‌اول استفاده شده و اعتبار اطلاعات با روش‌های اعتبارسنجی سنجیده شود. همچنین تا حد امکان اطلاعات مکتوب با اسناد صوتی - تصویری موجود تطبیق داده خواهد شد.

چهار فرایند، منبع‌شناسی، مطالعه منابع منتخب، ساختاردهی اولیه به محتوای منابع و فیش‌برداری طبق ساختار انجام می‌شود. پس از این چهار گام، تنظیم نهایی متن بر اساس روش‌شناسی متناسب با محتوا آغاز می‌شود.